

جهت گیری های زنان نسبت به محیط زیست (محل مطالعه: ارومیه)

محمد عباس زاده،* سارا کریم زاده**

چکیده

مرور مطالعات اخیر در حوزه موضوعات زیست محیطی نشان می دهد که زنان نسبت به مردان توجه بیشتری به محیط زیست از خود نشان می دهند. بر همین اساس، هدف تحقیق حاضر شناسایی جهت گیری های ذهنی زنان نسبت به موضوعات زیست محیطی و کنش های مربوط به این حوزه است. تحقیق حاضر در شهر ارومیه انجام شده است. و با اتخاذ رویکردی کیفی و کاربرد تکنیک مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته به دنبال فهم این موضوع در نمونه مورد بررسی است. نتایج این تحقیق نشان داد که با وجود اینکه دغدغه های زیست محیطی در زنان شکل گرفته است، اما به دلیل وجود برخی عوامل ساختاری و فرهنگی، این دغدغه ها در عمل و در رفتارهای روزمره نقش مؤثری ندارد. حاصل این تناقض بین دغدغه ذهنی و رفتار واقعی، شکل گیری پدیده ای با عنوان «تراژدی فرهنگ زیست محیطی» است.

کلیدواژه ها: دغدغه زیست محیطی، جهت گیری ذهنی، عوامل ساختاری و فرهنگی، تراژدی فرهنگ زیست محیطی، ارومیه.

m.abbaszadeh2014@gmail.com

sarakarimzadeh62@gmail.com

* دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه تبریز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۶

مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۲۱-۱۵۰

مقدمه و طرح مسئله

از آغاز تاریخ بشر، زنان به صورت جدی در حفاظت، استفاده و مدیریت منابع طبیعی نقش داشته‌اند (دانکلن، ۲۰۰۵: ۲). بری معتقد است که خاستگاه پیوند میان جنسیت، محیط‌زیست و نظریه اجتماعی در اواخر سده هجدهم قرار دارد (۱۳۸۰: ۱۳۶). در سال‌های پایانی قرن بیستم نیز در حوزه حفاظت از محیط‌زیست، توجه بسیاری به موضوع جنسیت شده است (فنگ و ژو، ۲۰۰۹: ۱). دیدگاه غالب این است که زنان نسبت به رفتارهای زیست‌محیطی نگرش و نگاه همدلانه‌تری دارند. بدین معنا که تحقیقات در حوزه دغدغه‌های زیست‌محیطی در چند دهه گذشته نشان داده‌اند که زنان دغدغه‌های زیست‌محیطی بیشتری از خود نشان داده‌اند (ساندستروم و مک رایت، ۲۰۱۳: ۴). دانکلن معتقد است که اگرچه در نگاه اول ارتباط میان جامعه انسانی و محیط‌زیست فیزیکی از نظر جنسیت خنثی تلقی می‌شود و به نظر می‌رسد به‌شیوه یکسانی هم زنان و هم مردان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، با بررسی دقیق‌تر می‌توان پی برد که این رابطه به‌هیچ‌وجه خنثی نیست. ساخت اجتماعی-فرهنگی متمایز این روابط میان زنان و مردان این‌گونه است که ارتباط میان افراد و محیط فیزیکی برای دو جنس به‌گونه متفاوتی عمل می‌کند (۲۰۰۵: ۳).

به‌زعم میر بعد جنسیتی مسائل زیست‌محیطی مبتنی بر دو ادعای مرتبط به هم است. ادعای اول این است که زنان و مردان ارتباط متفاوتی با محیط‌زیست خود دارند و محیط‌زیست یک مسئله جنسیتی است. ادعای دوم هم بر این مبنا است که زنان و مردان به‌صورت متفاوت نسبت به مسائل زیست‌محیطی عکس‌العمل نشان می‌دهند؛ به‌ویژه زنان که بیش از مردان حساسیت نشان می‌دهند (۲۰۰۳: ۱۲). این ادعا که یک بعد جنسیتی در ارتباط با مسائل زیست‌محیطی وجود دارد، کمتر محل مناقشه است؛ زیرا بر این ایده مبتنی است که از آنجایی که مردان و زنان تجربیات زندگی متفاوتی دارند، لذا دارای تجربه زیست‌محیطی متفاوتی نیز هستند. استرن و دایتز^۱ (۱۹۹۴) در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که زنان در مورد نتایج مضر زیست‌محیطی برای دیگران، اکوسیستم^۲ و خود اعتقادات قوی‌تری دارند و این عقاید بیشتر رفتارهای طرف‌داران محیط‌زیست را پیش‌بینی می‌کند.

در دهه‌های اخیر با شکل‌گیری پرسش‌هایی با این مضمون که چرا زنان علاقه‌مندند که در حوزه زیست‌محیطی عامل تغییر شوند و آیا نقش آنها در حفاظت زیست‌محیطی متفاوت با مردان است یا خیر، دیدگاه‌های مفهومی متعددی رشد یافته‌اند تا مشارکت زنان در مسائل

¹ Sundström & McCright

² Stern & Dietz

³ Ecosystem

زیست‌محیطی و تعهد نسبت به محیط‌زیست را تبیین کنند. از جمله مهم‌ترین این دیدگاه‌ها اکوفمینیسم^۱ است که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به‌عنوان یکی از اشکال ترکیب فمینیسم و محیط‌زیست‌گرایی ظهور یافت (اوستر، ۲۰۱۱). واژه اکوفمینیسم، اولین بار در سال ۱۹۷۴ توسط دوبون^۲ در کتاب فمینیسم یا مرگ^۳ به‌عنوان رابط بین زیست‌بوم و زن مورد توجه قرار گرفت (مورگان، ۱۹۹۲: ۴). اکوفمینیسم موقعیتی است که بوم‌شناسی و فمینیسم در آن به یکدیگر مرتبط می‌شوند. بنابراین، پیش از آنکه بخواهیم آن را درک کنیم، باید بدانیم که بوم‌شناسی و فمینیسم چه هستند. بوم‌شناسی تنها با مطالعه علمی رابطه بین ارگانیسم‌ها در زیست‌بوم قابل درک است. اما وضعیتی که ما باید سعی کنیم آن را خاتمه دهیم، سوءاستفاده از طبیعت است که در جامعه رواج دارد و زمین را به نابودی می‌کشاند. این وضعیت گاهی محیط‌زیست‌گرایی خوانده می‌شود. البته انواع بسیاری از نظریه‌های زیست‌بوم‌شناختی وجود دارد. تنوع زیست‌بومی که اکوفمینیسم آن را ترسیم می‌کند، بدین شرح است: دلیل سوءاستفاده انسان از طبیعت غیرانسانی دوگانه فرهنگ/طبیعت است که برای جهان‌بینی فرهنگ ما بنیادی است. این دوگانگی بخش اساسی چارچوب نظری است که مجموعه باورهای ما در ارتباط با خودمان و جهان اطرافمان بر آن اساس شکل می‌گیرد. این درک دوگانه از ارتباط بین طبیعت و فرهنگ، بیانگر این باور است که فرهنگ انسانی بر طبیعت غیرانسانی برتری اخلاقی دارد و همین امر سلطه انسان بر بقیه طبیعت و بدرفتاری با آن را توجیه می‌کند. بدرفتاری با طبیعت غیرانسانی هم برای انسان‌ها و هم غیرانسان‌ها مضر است و برای اینکه به این امر خاتمه دهیم باید دوگانگی طبیعت/فرهنگ را از بین ببریم و رابطه مبتنی بر احترام متقابل بین انسان و بقیه طبیعت بنا کنیم (میر، ۱۹۹۴: ۴).

فمینیسم هم معتقد به وضعیتی است که زنان در جامعه مورد ظلم واقع می‌شوند و آن نوع از بدرفتاری باید از بین برود. حتی در اکولوژی هم، گونه‌های بسیاری از فمینیسم و شاخه‌هایی از جنبش فمینیستی وجود دارد. نوعی از فمینیسم که به اکوفمینیسم مربوط است این است که دلیل ستمی که بر زنان می‌رود، نظام جنسیتی نقش‌ها است و راه پایان‌دادن به این ستم، جایگزینی این نظام جنسیتی نقش است. نظام نقش‌های جنسیتی، عمیقاً در چارچوب مفهومی فرهنگ ما شکل گرفته است. این نقش‌ها ویژگی‌های زنانه و مردانه‌ای را توصیف می‌کنند که آنها نیز به نوبه خود، نقش‌های رفتاری زنان و مردان را توصیف می‌کنند. این نقش‌ها می‌گویند مردان عقلانی، قوی و پرخاشگر هستند؛ زنان هم احساسی، منفعل و وابسته هستند. به‌منظور

^۱ Eco-Feminism

^۲ D'Eaubonne

^۳ Le Feminisme ou la Mort

پایان دادن به ستمی که بر زنان می‌رود باید تعریف نقش‌های جنسیتی را تغییر دهیم یا شاید کلاً آنها را از بین ببریم (میر، ۱۹۹۴: ۵). تلاش اکوفمینیسم در ترکیب بوم‌شناسی و فمینیسم به این ادعا مربوط می‌شود که زنانه نسبت به مردانه نامرغوب در نظر گرفته می‌شود و از همین رو زنانه را با طبیعت در ارتباط می‌داند. ارتباط اجتماعی-تاریخی بین زنان و طبیعت نقطه آغازین اکوفمینیسم است. قدم مهمی که اکوفمینیسم برمی‌دارد این است که رابطه بین زن و طبیعت را به رسمیت می‌شناسد و مدعی می‌شود دلیلی که زنانه نسبت به مردانه پست‌تر به حساب می‌آید، همین رابطه است. از زمانی که طبیعت در دوگانه طبیعت/فرهنگ پست‌تر به حساب آمد، زنانگی هم در دوگانه زنانه/مردانه این‌گونه درک شد. اکوفمینیست‌ها معتقدند که غیرممکن است تا به اهداف فمینیست‌ها بدون در نظر گرفتن اکولوژی دست یابیم و از همین رو غیرممکن است تا بدون در نظر گرفتن فمینیسم به اهداف اکولوژیکی دست یابیم (گریفین، ۱۹۷۸).

در حالت کلی، هدف اکوفمینیسم پذیرش نگاهی جدید به طبیعت است که به جای اینکه طبیعت را به عنوان منبع تأمین نیازهای انسان ببیند، به ارتباط متقابل انسان‌ها و طبیعت مورد توجه می‌کند (اتون و لورنتزن، ۲۰۰۳). در اینجا باید به این موضوع اشاره کرد که اگرچه ممکن است اکوفمینیست‌ها از نظر تأکید و تجزیه و تحلیل متفاوت باشند، ولی در این نقطه نظر وجه اشتراک دارند که اگر قرار است مشکلات اکولوژیکی برطرف شود، در آن صورت تحلیل جنسیتی ضرورت دارد (میر، ۲۰۰۳: ۲۰). با توجه به این نقطه نظر مشترک در بین خوانش‌های مختلف از اکوفمینیسم، بررسی جهت‌گیری‌های زیست‌محیطی زنان در این تحقیق به اوضاع بحرانی محیط‌زیست حال حاضر کشور مربوط می‌شود. اهمیت این کار از این روست که ایران در حال حاضر با چالش‌های بزرگی در همه حوزه‌های محیط‌زیست مواجه است. زنان نیمی از جمعیت جامعه هستند، مدیریت امور داخل منزل بیشتر به عهده آنان است و همزمان نقش پررنگی در تربیت نسل بعدی به عهده دارند و از همین جهت بسیار می‌توانند در تغییر نگرش‌ها و عادات رفتاری خانواده‌ها تأثیرگذار باشند. در قالب دیدگاه اکوفمینیستی که براساس داده‌های تجربی ادعا می‌کند که زنان نسبت به مردان محیط‌زیست‌گراتر هستند، در این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤالات هستیم که:

- جهت‌گیری‌های زنان نسبت به موضوعات زیست‌محیطی چگونه است؟
- آیا کنش‌ها و رفتارهای روزمره زنان حاصل این جهت‌گیری‌هاست یا متأثر از عوامل دیگری است؟

پیشینه تجربی

در ایران پژوهش‌های نظام‌مندی در حوزه اکوفمینیسم صورت نگرفته است. تنها چند پژوهش مستند در حوزه جامعه‌شناسی محیط‌زیست با محور جنسیت را می‌توان به عنوان نمونه ذکر کرد. یکی از این پژوهش‌ها تحقیق صالحی و کریم‌زاده (۱۳۹۴) با عنوان بررسی نقش جنسیت

در جهت‌گیری‌های زیست‌محیطی است. هدف تحقیق این موضوع اساسی است که در پرتو نظریهٔ اکوفمینیستی بتواند تفاوت‌های احتمالی میان نگرش زیست‌محیطی زنان و مردان را تبیین کند. در این تحقیق، نگرش نوین زیست‌محیطی بر پایهٔ مقیاس دانلپ و وان لایر (۱۹۷۸) مورد سنجش قرار گرفته است و داده‌ها در سال ۱۳۸۹ و به روش پیمایش جمع‌آوری شده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که اولاً افراد مورد بررسی در نگرش زیست‌محیطی نمرهٔ بالایی کسب کرده‌اند؛ دوم اینکه جنسیت متغیر تأثیرگذاری بر روی نگرش زیست‌محیطی افراد نیست. این مطالعه در نهایت نتیجه می‌گیرد که نظریهٔ اکوفمینیستی مبنی بر حمایت بیشتر زنان از موضوعات زیست‌محیطی در نمونهٔ مورد بررسی، مورد تأیید تجربی قرار نمی‌گیرد.

پژوهشی دیگر در این حوزه، مطالعهٔ عزیزی و همکاران با عنوان بررسی وضعیت رویکرد زیست‌محیطی زنان خانه‌دار شهر ایلام است. این پژوهش در سال ۱۳۹۱ و با هدف بررسی رویکرد زیست‌محیطی زنان خانه‌دار شهر ایلام و مقایسهٔ آن در گروه‌های مختلف زنان انجام گرفته است. جامعهٔ آماری این پژوهش را زنان خانه‌دار ۲۰-۴۵ ساله ساکن شهر ایلام تشکیل داده‌اند که نمونه‌ای به حجم چهارصد نفر از آنها انتخاب شده‌اند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته بود که پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای همهٔ مؤلفه‌های رویکرد زیست‌محیطی قابل قبول برآورد گردیده است. رویکرد زیست‌محیطی شامل علاقه‌مندی به محیط‌زیست، مسئولیت‌پذیری در قبال محیط‌زیست و رفتار زیست‌محیطی بوده است. نتایج حاکی از میزان بالای علاقه‌مندی، میزان کم مسئولیت‌پذیری و انطباق کم رفتارهای زیست‌محیطی زنان خانه‌دار با اصول زیست‌محیطی بود. در مجموع می‌توان گفت که زنان خانه‌دار از علاقه‌مندی زیادی به محیط‌زیست برخوردار بوده‌اند. وضعیت رفتارهای زیست‌محیطی آنها نسبتاً خوب و میزان مسئولیت‌پذیری آنان در قبال محیط‌زیست کم ارزیابی شده است.

اما در ادبیات تجربی سایر کشورها، مطالعات بسیاری در حوزهٔ تأثیر جنسیت بر نحوهٔ مواجههٔ انسان با طبیعت صورت گرفته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. در مطالعات تجربی مربوط به رفتارهای زیست‌محیطی، اغلب تفاوت رفتار بین زنان و مردان مطالعه می‌شود. نتایج تحقیق دالن و بنت (۲۰۱۱: ۸-۱۰) با عنوان تفاوت‌های جنسیتی در رفتارهای زیست‌محیطی نشان داد که همسو با مطالعه روچوففسکی^۱ و استون، زنان بیشتر از مردان بازیافت می‌کنند و همچنین ضایعات بیشتری تولید می‌کنند؛ هم قابل بازیافت و هم غیر قابل بازیافت. بسیاری از مطالعات هم نتوانسته‌اند در رفتارهای بازیافتی تأثیر معنادار جنسیت را پیدا کنند. در مطالعات تجربی مربوط به مصرف انرژی شواهد اندکی مبنی بر وجود تفاوت‌های جنسیتی دیده می‌شود. حوزهٔ دیگری که تفاوت جنسیتی در آن اندک است یا وجود ندارد،

^۱ Reschovsky

مصرف آب است. شاید بدین دلیل که انرژی و آب عموماً توسط کل خانواده مصرف می‌شوند. بنابراین انتظار نداریم تا براساس مطالعات پیشین، تفاوت‌های جنسیتی معناداری در مصرف انرژی یا آب پیدا کنیم. حمل‌ونقل حوزه‌ای است که تفاوت‌های جنسیتی در آن مشهود است. برخی مطالعات نشان می‌دهند که مردان بیشتر از زنان تمایل به رانندگی دارند. همچنین شواهدی است که نشان می‌دهند مردان به‌طور متوسط بیشتر از زنان خودروی شخصی دارند و کمتر از زنان از وسایل حمل‌ونقل عمومی استفاده می‌کنند. پس ما انتظار داریم که تفاوت جنسیتی چشمگیری در حوزه حمل‌ونقل پیدا کنیم. در زمینه مصرف غذای ارگانیک، تفاوت‌های جنسیتی معناداری هم در مصرف و هم در تمایل برای هزینه در این حوزه وجود دارد. بدین معنا که زنان تمایل بیشتری به مصرف محصولات غذایی ارگانیک و صرف هزینه در این مورد دارند. لاو و پین هی در مطالعه‌شان که تفاوت‌های شهری-روستایی بودن را در مورد حفاظت زیست‌محیطی مورد آزمون قرار دادند، به این نتیجه رسیدند که بین جنسیت و رفتار زیست‌محیطی رابطه وجود دارد. آنها داده‌های پیمایش اجتماعی عمومی سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۷۳ در بین شهروندان آمریکایی را به کار گرفتند. در این مطالعه محققان دریافتند که زنان نسبت به مردان رفتارهای محافظانه بیشتری نسبت به محیط‌زیست از خود نشان می‌دهند. در تحقیقی دیگر با عنوان رفتار و نگرش زیست‌محیطی، اسکات و ویلیتز (۱۹۹۴) نگرش و رفتار زیست‌محیطی مردم پنسیلوانیای آمریکا را مطالعه کرده دریافتند که زنان بیشتر از مردان در رفتارهای مصرفی حفاظت زیست‌محیطی شرکت می‌کنند. پرسش‌نامه تحقیق مذکور شامل دو نوع رفتار زیست‌محیطی بود؛ رفتار مصرف‌کننده و رفتار سیاسی. محققان در این تحقیق فهمیدند که زنان بیشتر از مردان با در نظر گرفتن موضوعات زیست‌محیطی تصمیم به خرید می‌گیرند. بر پایه این یافته‌ها، اسکات و ویلیتز پیشنهاد می‌کنند که احتمالاً مردان گرایش به اظهار پشتیبانی بیشتری در برخی زمینه‌ها (برای مثال رفتار سیاسی) دارند، در حالی که تأکید زنان بر کنش‌های دیگری است.

مطالعه تانگلت و همکارانش (۲۰۰۴) که در پی یافتن رابطه بین جنسیت و رفتارهای زیست‌محیطی بود نشان داد که رفتار به حداقل رساندن مصرف، به‌طور معناداری به‌واسطه جنسیت تغییر می‌کند. بدین معنی که زنان نسبت به مردان تمایل بیشتری به تعمیر یا استفاده مجدد از وسایل به‌جای جایگزینی آنها نشان می‌دهند.

چارچوب مفهومی

اوستر معتقد است که اکوفمینیسم یکی از جدیدترین انواع فمینیسم و یکی از درخشان‌ترین آنها است و نشان می‌دهد که در ترکیب دغدغه‌های فمینیستی و بوم‌شناختی چیز جذابی وجود دارد. برخی نظریه‌پردازان نیز مانند نسترا کینگ اکوفمینیسم را به‌منزله موج سوم فمینیسم

می‌بینند (اوستر، ۲۰۰۲: ۱) و این تأکید اکوفمینیسم را درست می‌دانند که فرهنگ حاضر در جهان غرب، نوعی ارتباط مفهومی بین زن و طبیعت ایجاد کرده و این امر قطعاً پیامدهای ناخواسته‌ای به همراه دارد. اکوفمینیسم موقعیتی است که در آن ارتباطات مهم — تاریخی، تجربی، نمادین و نظری — بین قلمرو زن و طبیعت وجود دارد که هم برای فمینیسم و هم برای اخلاقیات زیست‌محیطی^۱ حائز اهمیت است (میر، ۱۹۹۴: ۳). در یکی از اولین کتاب‌های اکوفمینیستی، زن جدید، زمین جدید^۲ روتر می‌گوید زنان باید بدانند که هیچ آزادی‌ای برای آنها و هیچ راه‌حلی برای بحران‌های زیست‌محیطی در جامعه‌ای که مدل اساسی روابط آن مبتنی بر سلطه است، وجود ندارد (اوستر، ۲۰۰۲: ۱). اکوفمینیسم در حقیقت همان پرسش رابطه زنان با زیست‌شناسی و طبیعت را مطرح می‌کند. اما این بار، به جای ردّ این پیوند برخی از اکوفمینیسم‌ها پذیرفته‌اند که ممکن است چنین پیوندی وجود داشته باشد. این بدان معنی است که اکوفمینیسم‌ها یک مرحله جلوتر رفتند و اظهار داشتند وجود رابطه‌ای خاص بین زنان و طبیعت می‌تواند ویژگی مثبت و منحصربه‌فرد فمینیسم در عصری باشد که آسیب‌ها و خطرهای فراوانی محیط‌زیست جهان را تهدید می‌کند (ساتن، ۱۳۹۲: ۹۳).

براساس رویکرد فمینیستی، آشکارترین شیوه‌هایی که در آن جنسیت با محیط‌زیست مرتبط است آن است که غالب افرادی که در موقعیت تأثیرگذاری روی تصمیمات زیست‌محیطی هستند، مردانند و غالب افرادی که مورد رحمت^۳ این تصمیماتند، زنان هستند (ملور، ۲۰۰۳). یکی از مسائل کلیدی که در مورد ادعای مربوط به تجربه متفاوت زنان و نیز آگاهی زیست‌محیطی مطرح شده است، به روشی مربوط است که در آن زنان تماس نزدیک‌تری با محیط‌زیست محلی دارند تا مردان. هر جا که بحرانی زیست‌محیطی رخ می‌دهد، احتمالاً زنان اولین کسانی هستند که به آب کثیف، بوهای سمی یا مشکلات جسمانی توجه می‌کنند.

گام مهمی که اکوفمینیسم در مورد رابطه زن و طبیعت برمی‌دارد این است که رابطه بین زن و طبیعت را به رسمیت می‌شناسد. ایده اصلی اکوفمینیسم این است که بوم‌شناسی و فمینیسم، به گونه‌ای مفهومی با یکدیگر ارتباط دارند. اکوفمینیست‌ها استدلال می‌کنند که ارتباط مجدد زنان با طبیعت لازم و ضروری است، چراکه ماهیت جنسیتی جامعه بشری مستقیماً با الگوی رایج پیامدهای اکولوژیکی مرتبط است. به بیان ساده‌تر و کاربردی‌تر، این ایده به آن معنا است که زنان به محیط‌زیست نزدیک‌ترند و می‌توانند نقش مؤثرتری در بهبود مخاطرات زیست‌محیطی داشته باشند. صرف ارائه این مباحث در این تحقیق کیفی، نه در نظر گرفتن چارچوبی نظری

¹ Environmental Ethics

² New Woman/ New Earth

³ Mercy

برای پژوهش که تنها توجه بیشتر به مفاهیم حساس و خط‌مشی کلی پژوهش در جمع‌آوری داده‌ها است. این مباحث نشانگر محورهای مورد بحث در مصاحبه‌ها و فرایند جمع‌آوری داده‌هاست.

۳. روش‌شناسی

تحقیق حاضر یک تحقیق کیفی است. تحقیق کیفی تحقیقی است که یافته‌های آن به‌واسطه فرایندهای آماری و کمی‌سازی حاصل نمی‌شود (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). نقطه قوت تحلیل کیفی توانایی آن در ارائه توصیفات متنی پیچیده از چگونگی مواجهه مردم با موضوعات مورد تحقیق است (دنزین و لینکلن، ۲۰۰۰). در این شیوه پژوهش، برخلاف روش کمی، سعی می‌شود تا اطلاعاتی درباره رفتارها، باورها، عقاید، احساسات و روابط فردی متناقض ارائه شود (مارشال، ۲۰۰۳). راهبرد تحقیق مبتنی بر نظریه زمینه‌ای است. این روش را گلیزر و استراوس در ۱۹۶۷ ارائه دادند و براساس نظر آنها، کشف نظریه براساس داده‌هایی است که به شیوه‌ای نظام‌مند از تحقیق اجتماعی به‌دست آمده‌اند (گلیزر و استراوس، ۱۹۶۷: ۲). کوربین و استراوس این روش را کشف معناها از خلال داده‌ها و زمینه‌های مورد مطالعه می‌دانند. در این روش، گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام می‌شود و هدف اصلی مصاحبه در حالت کلی، درک معنای هر آن چیزی است که مصاحبه‌شونده در ارتباط با موضوع مصاحبه می‌گوید (دی، ۱۹۹۹). پژوهش کیفی نمونه خود را به‌صورت هدفمند انتخاب می‌کند و مواردی را برمی‌گزیند که غنی از اطلاعات باشند. در این تحقیق هم انتخاب نمونه مورد نظر از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند صورت گرفته است که نسبت به موضوع تحقیق اطلاعات با پراکندگی بالا را ارائه می‌دهند. علاوه بر این در مورد اندازه نمونه‌ها هم باید گفت که در مطالعات کیفی، گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه می‌یابد که افراد مورد مطالعه چیز جدیدی به داده‌ها اضافه نکنند و این امر به اشباع نظری معروف است (پاول، ۱۹۹۹). بر این اساس، در پژوهش حاضر پس از انجام ۲۲ مصاحبه اشباع نظری حاصل شد و در این مرحله جمع‌آوری داده‌ها متوقف شد.

محورهای مصاحبه در این پژوهش عبارت بودند از: درک زنان نسبت به محیط‌زیست، سبک زندگی آنها در ارتباط با کالاهای مضر برای محیط‌زیست، نظیر مواد پلاستیکی یک‌بارمصرف و میزان استفاده آنها از خودروهای شخصی، نظر آنها در مورد تفکیک زباله‌ها در مبدأ و همچنین نحوه استفاده آنان از منابع انرژی در دسترس در محیط خانه و اطراف آن. افراد مورد مطالعه در این پژوهش شامل زنان مجرد و متأهلی بود که در محدوده سنی ۲۵ تا ۶۱ سال قرار داشتند. نمونه‌های مورد مطالعه در تحقیقات کیفی معمولاً از پیش تعیین‌شده و مشخص نیست و در انتخاب زنان مورد نظر برای مصاحبه، پذیرش و قبول مصاحبه از سوی خود پاسخ‌گویان نقش

¹ grounded theory

² purposive sampling

مهمی داشت که البته در برخی از موارد، مصاحبه‌ها از سوی مصاحبه‌شوندگان نیمه‌تمام رها می‌شدند و مصاحبه‌گر مجبور می‌شد تا نمونه‌های دیگری را جایگزین کند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای از مراحل به‌هم‌پیوسته کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی استفاده شده است (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸، ۱۹۹۰). فرایند تفسیر با کدگذاری باز که اشاره به فرایند تولید مفاهیم اولیه از داده‌ها اشاره دارد، آغاز می‌شود. کدگذاری محوری به‌منظور توسعه و پیوند مفاهیم به پارادایم‌های کدگذاری مفهومی است و کدگذاری گزینشی شکل‌دادن این روابط به چارچوب‌های نظری است. در واقع، کدگذاری گزینشی انتخاب نوعی مقوله هسته و ارتباط‌دادن آن به سایر مقوله‌ها است. در این مرحله از تحقیق است که در مورد اصلی‌ترین مقوله پژوهش تصمیم‌گیری می‌شود و مقوله هسته شکل می‌گیرد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸: ۲۱).

از نظر اعتبار و پایایی تحقیق می‌توان گفت که در پژوهش‌های کیفی اعتبار و پایایی مانند روش‌های کمی بر اصول مشخصی استوار نیست (عباس‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۱) و از این رو پژوهشگران کیفی از شیوه‌های ابداعی مانند اعتمادپذیری^۱، باورپذیری^۲، انتقال‌پذیری^۳ و اطمینان‌پذیری^۴ و تصدیق‌پذیری^۵ استفاده می‌کنند (لینکن و گوبا، ۱۹۸۵). فلیک (۱۳۸۸) برای دستیابی به این موارد و به‌ویژه بالاتر بردن باورپذیری تحقیق استراتژی‌هایی را معرفی می‌کند که در این تحقیق نیز تا حد امکان سعی شده است به این موارد توجه شود. ازجمله این استراتژی‌ها می‌توان به کنترل توسط اعضا یا به عبارت دیگر به ارزیابی اعتبار به روش ارتباطی داده‌ها و تفسیر توسط اعضای میدان مورد مطالعه اشاره کرد. همچنین در این تحقیق سعی شده است تا مصاحبه‌ها نوعی بحث و گفت‌وگوی دوستانه به خود بگیرند تا فرد مصاحبه‌شونده به راحتی و با صداقت بتواند با موضوع مورد بحث روبه‌رو شود.

یافته‌ها

توصیف نمونه

در این بخش از پژوهش، توصیفی از متغیرهای زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان ارائه می‌شود. در مجموع، در این تحقیق، ۲۲ مصاحبه در بین زنان انجام شده است. در این میان کمترین سن پاسخ‌گویان ۲۵ و بیشترین آن ۶۱ سال است. میزان تحصیلات مصاحبه‌شوندگان نیز از ابتدایی تا کارشناسی‌ارشد را شامل می‌شود که ۱۲ نفر دارای تحصیلات دانشگاهی و ۱۰ نفر نیز دارای

^۱ Trustworthiness

^۲ Credibility

^۳ Transferability

^۴ Dependability

^۵ Confirmability

تحصیلات در حد دیپلم و پایین‌تر از آن بودند. به لحاظ طبقه اجتماعی، ۴ نفر خود را جزو طبقه پایین، ۱۵ نفر جزو طبقه متوسط و ۳ نفر هم جزو طبقه بالا معرفی کردند. همچنین ۸ نفر از زنان شغل اداری و رسمی داشتند، ۲ نفر شغل خانگی درآمدزا و ۱۲ نفر هم فاقد شغل درآمدزا بودند.

جهت‌گیری‌های زیست‌محیطی زنان

زمانی که در مورد تفاوت‌های جنسیتی در رفتار صحبت می‌کنیم، درک این نکته مهم است که چه چیزی باعث بروز این تفاوت‌ها می‌شود. از منظری اقتصادی، زنان و مردان به دو دلیل می‌توانند رفتارهای متفاوت داشته باشند: (۱) ترجیحات^۱ و نگرش‌ها^۲ متغیرهای زمینه‌ای. در برخی موارد، جنسیت متفاوت تفاوتی در نوع رفتار ایجاد نمی‌کند، اما در مواردی نیز تفاوت جنسیت، تفاوت در رفتارها را تشدید می‌کند. پس این نکته حائز اهمیت است که بدانیم چگونه ترجیحات و متغیرهای زمینه‌ای تفاوت ایجاد می‌کنند (دیلن و هالورسون، ۲۰۱۱: ۷). در این بخش، یافته‌های حاصل از مصاحبه با زنان براساس محورهای اساسی تحقیق ارائه می‌شود. پیش‌تر مطرح شد که محورهای مصاحبه در این پژوهش عبارت بودند از درک زنان نسبت به محیط‌زیست، سبک زندگی آنها در ارتباط با کالاهای مضر برای محیط‌زیست نظیر مواد پلاستیکی یک‌بارمصرف و میزان استفاده آنها از خودروهای شخصی، نظر آنها در مورد تفکیک زباله‌ها در مبدأ و همچنین نحوه استفاده آنان از منابع انرژی در دسترس در محیط خانه و اطراف آن.

با بررسی مصاحبه و استخراج مفاهیم به‌کاررفته در آنها و با اعمال شیوه‌های کدگذاری بر روی این مفاهیم و کدها، در نهایت، مقولات اصلی زیر در ارتباط با جهت‌گیری زنان نسبت به موضوعات زیست‌محیطی و همچنین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این جهت‌گیری‌ها استخراج شدند: کدهای اولیه، مقولات فرعی، مقولات اصلی و همچنین مقوله هسته تحقیق در جدول (۱) ارائه شده‌اند. این جدول نشان می‌دهد که مقولات اصلی استخراج شده عبارتند از:

- ۱- دغدغه زیست‌محیطی؛ ۲- فشار هنجاری؛ ۳- موانع ساختاری و نهادی؛ ۴- مصرف‌گرایی؛ ۵- استفاده ابزاری از دین؛ ۶- تأخر فرهنگی.

در ادامه جزئیات بیشتری از مقولات فرعی و اصلی استخراج شده ارائه می‌شود و همچنین بخش‌هایی از اظهارنظرهای مصاحبه‌شوندگان در ارتباط با هر مقوله فرعی به‌عنوان نمونه ذکر می‌شود.

¹ Preferences

² Attitudes

جهت گیری های زنان نسبت به محیط زیست

جدول ۱. کدهای اولیه و مقولات مستخرج از مصاحبه ها

مقوله هسته	مقولات اصلی	مقولات فرعی	کدهای اولیه
تراژدی فرهنگ زیست محیطی	دغدغه ی زیست محیطی	نگرانی از تخریب فیزیکی محیط زیست	تأکید بر حفاظت از شکل طبیعی محیط زیست/ ناهرسندی از ایجاد تغییر در طبیعت/ تأکید بر جبران آسیب های وارده به محیط زیست از سوی انسان/ تأکید بر برهم زدن چرخه طبیعت/ نارضایتی از کارهای عمرانی به دلیل تخریب محیط زیست
		نگرانی از بهداشت محیط زیست	نگرانی از افزایش زیاله در طبیعت/ تأکید بر حفظ سلامت محیط زیست از سوی انسان/ تأکید بر وابستگی کامل زندگی بشر به محیط زیست/ نگرانی از قطع بی رویه درختان جنگلی/ نگرانی از آسیب های وارده بر انسان به دلیل تخریب محیط زیست
		دغدغه بقاء	توجه به مراقبت از حیوانات/ اشاره به آسیب پذیری موجودات زیستی/ نارضایتی از انقراض حیات وحش/ شکایت از آلودگی هوا
	فشار هنجاری	ناامنی اخلاقی	شکایت از وضعیت بی اخلاقی در جامعه/ نارضایتی از نگاه خیره مردان به زنان در وسایل عمومی/ احساس عدم راحتی زنان در وسایل حمل و نقل عمومی/ شکایت از وضعیت نابسامان اخلاقی در فضاهای عمومی/ عادی نبودن استفاده از دوچرخه در بین زنان
		بی اعتمادی به زنان در مدیریت محیط زیست	اندک بودن مدیران زیست محیطی زن/ حضور کم رنگ زنان در نهادهای تصمیم گیری
	موانع ساختاری و نهادی	ضعف خدمات حمل و نقل شهری	نامنظم بودن حمل و نقل عمومی/ عدم توجه به وقت دقیق حرکت وسایل عمومی/ کثیف بودن وسیله های حمل و نقل عمومی/ کیفیت و امنیت پایین حمل و نقل عمومی
		نارضایتی از عملکرد نهادهای	تولید بی رویه پلاستیک و مواد آلاینده/ عدم نظارت دولت بر تولیدات/ مدیریت ضعیف ضایعات/ بی توجهی مسئولان به تفکیک زیاله در مبدأ/ بی توجهی مسئولان شهری به رفتارهای زیست محیطی شهروندان و عدم ترغیب آنها به این گونه رفتارها/ پیگیر نبودن مسئولان در طرح های حفاظتی
		فرسایش اعتماد نهادی	عدم اعتماد به دولت در موضوع بازیافت زیاله های تفکیک شده/ نگرانی از مسئله بهداشت و عدم رعایت آن در مورد تفکیک و بازیافت ضایعات/ ترس از آسیب رساندن کالای بازیافت شده به سلامت فرد/ عدم توجه دولت به موضوع بهداشت در مسئله بازیافت
	مصرف گرایی	دل نكندن از عادات گذشته	اهمیت رفاه فردی/ تأکید بر امکانات زندگی/ اهمیت احساس لذت فردی/ اولویت رفاه فردی بر حفاظت از محیط زیست/ وابستگی به سبک زندگی روزمره/ تأکید بر موضوع عادت در استفاده از انرژی
	تأخر فرهنگی	دین ابزاری	تأکید بر عدم اسراف در آموزه های دینی/ توجه به میزان مصرف از بعد اعتقادی و دینی/ تأکید بر آب در آموزه های دینی
		رشد بعد مادی فرهنگ مصرف	بالا بودن هزینه های مصرف انرژی/ اصرار سرپرست خانواده به صرفه جویی در انرژی به خاطر کاهش هزینه ها/ توجه به مصرف صرفاً به دلیل کاهش هزینه ها
		ضعف آگاهی زیست محیطی	بی اهمیت دانستن رفتارهای فردی/ عدم اطلاع از فرایند تفکیک و بازیافت/ بی ثمر دانستن کنش های خانگی زیست محیطی/ بدبینی به کالاهای بازیافتی
		مصرف مبتنی بر عادت	نقش قدرتمند عادات مصرفی/ عدم اراده به ترک عادات غلط، راحت طلبی مصرف گرایانه

۱. دغدغه زیست محیطی

اولین مقوله مورد بحث در این بخش، دغدغه زیست محیطی است. سودارمدی^۱ و همکاران (۲۰۰۱) دغدغه زیست محیطی را این گونه تعریف می کنند: توجه، نگرانی و حساسیت پاسخ گویان به مشکلات زیست محیطی. مقوله دغدغه زیست محیطی که عمدتاً براساس پاسخ مصاحبه شوندگان در مورد درک کلی آنها از محیط زیست استخراج شده است، نشان می دهد که با توجه به تعریف دغدغه زیست محیطی، این دغدغه و نگرانی در مورد مسائل زیست محیطی به خوبی در زنان شکل گرفته است. مقوله دغدغه زیست محیطی برآمده از خرده مقولات؛

- نگرانی از تخریب فیزیکی محیط زیست؛
- نگرانی از بهداشت محیط زیست؛
- دغدغه بقای سایر موجودات؛

است که برای روشن شدن این موضوع به نمونه هایی از مواردی که مصاحبه شوندگان اشاره کرده اند، می پردازیم.

الف: نگرانی از تخریب فیزیکی محیط زیست

پاسخ گویی دغدغه و نگرانی خود نسبت به آسیب پذیری محیط زیست را این گونه ابراز می دارد: من محیط زیست رو طبیعت می دونم، برای من درخت و سرسبزی محیط زیسته و باید همون جوری حفظ بشه... نباید تو محیط زیست خیلی دخالت بکنیم و اگر این کار رو کردیم باید به دنبال جایگزین اون باشیم... اکوسیستم باید همون جوری که هست حفظ بشه... الان شما دریاچه ارومیه رو می بینید دیگه چه بلایی سرش اومده... با اون پلی هم که روش ساختن همه جا نخاله ساختمونیه... این چه جور نگهداری از طبیعته. (۴۱ ساله، متأهل، کارشناسی و کارمند)

پاسخگویی دیگر در این باره می گوید:

محیط زیست برای من چرخه ابر و باران و باد است، هر چی این ها بهتر باشن، ما هم بهتر زندگی می کنیم... اگر محیط خراب باشه، ژنتیک آسیب می بینه... کارهای عمرانی به محیط خیلی آسیب می رسونن. (۳۶ ساله، متأهل، معلم)

دغدغه لزوم حفاظت از محیط زیست و آسیب پذیری آن از سوی انسان در اظهارات اکثر مصاحبه شوندگان وجود دارد. پاسخ گویی می گوید:

¹ Sudarmadi

هر روز می‌شنویم که دارن جنگل‌ها و درخت‌ها رو قطع می‌کنن تا خونه و راه بسازن... این‌ها رو بعداً چه جوری می‌خوایم درست کنیم. (۲۵ ساله، مجرد، کارمند)

این اظهارات نشان می‌دهد که نگرانی از تخریب محیط‌زیست یکی از دغدغه‌های روزمره زنان حاضر در مصاحبه‌ها بوده است. قطع درختان، نابودی جنگل‌ها، خشک‌شدن دریاچه‌ها و ساخت‌وسازهای بی‌رویه همگی مواردی هستند که عوامل نگرانی از تخریب فیزیکی محیط‌زیست در بین پاسخ‌گویان است.

ب: نگرانی از بهداشت زیست‌محیطی

علاوه بر دغدغه تخریب فیزیکی محیط‌زیست، پاسخ‌گویان از مشکلات بهداشتی که تخریب محیط‌زیست می‌تواند به همراه داشته باشد نگران هستند. در رابطه با تخریب بهداشت و سلامت محیط پاسخ‌گویی معتقد است که:

حرف از محیط‌زیست که می‌شه من سریع یاد آلودگی هوا می‌افتم، چون توی خونواده مشکل آسم داریم... بعضی روزها که بیرون این ماشین‌های سنگین قدیمی رو می‌بینم که همه‌ش دود تولید می‌کنند به این فکر می‌کنم که سلامت محیط و انسان برای هیچ‌کس اهمیت نداره (۳۴ ساله، متأهل، کارشناسی، معلم)

پاسخگویی دیگر می‌گوید:

وقتی مسافرت می‌ریم شمال و من این‌همه زباله توی ساحل و جنگل‌های شمال می‌بینم خیلی دلم می‌گیره... این‌ها همه در درازمدت باعث بیماری خودمون می‌شه. توی آب و خاک نفوذ می‌کنه و ما از اون‌ها تغذیه می‌کنیم. (۲۵ ساله، مجرد، کارمند)

در همین رابطه پاسخ‌گویی دیگر می‌گوید:

فضای سبز و تمیزی اون برای من خیلی مهمه. به بچه‌هام اصلاً اجازه نمی‌دم زباله بیرون بریزن... خیلی روی تمیزی محیط‌زیست حساسم... الان هم که همه‌ش می‌شنویم کارخونه‌ها، فاضلاب‌های صنعتی‌شون رو می‌ریزن توی رودخونه‌ها و آب‌ها... آسیب این به خودمون می‌رسه. (۳۹ ساله، دیپلم، فروشنده).

تمام این اظهارات نشانگر آن است که بهداشت محیط و سلامت طبیعت از دغدغه‌های مطرح در نگاه افراد به وضع محیط‌زیست است. اما در کنار دغدغه تخریب فیزیکی و سلامت محیطی، زنان نگرانی بقای گونه‌های جانوری و حفاظت از آن‌ها را نیز دارند که با عنوان خرده مقوله دغدغه بقا در ادامه با آن اشاره شده است.

ج: دغدغه بقای سایر موجودات

پاسخ‌گویی در این رابطه که چه تصویری از محیط‌زیست دارد، می‌گوید:

اولین چیزی که از محیط‌زیست به ذهن من می‌رسد درختان و جنگل‌های شمال و اولویت دوم توی تعریف محیط‌زیست برای من حیواناتی هستند که نیاز به مراقبت دارند... چون خیلی آسیب‌پذیرن.

پاسخ‌گویی دیگر هم‌نظر با اظهارات همکار خود که در بالا به آن اشاره شد می‌گوید:

اولین چیزی که از محیط‌زیست به ذهن من خطور می‌کند انقراض یوزپلنگ ایرانی... خیلی حیفه که دیگه نداشته باشیم... باید به حیات وحش بیشتر توجه بشه. خیلی حیفه آدم محیطی رو که توش زندگی می‌کنه این‌همه داغونش کنه... وقتی می‌گن فلان حیوون منقرض شد... زاینده‌رود خشک شد... دریاچه ارومیه خشک شد... خیلی ناراحت می‌شم... چه بلایی می‌خواد سرمون بیاد. (مارال، ۳۱ ساله، متأهل و معلم)

تغذیه حیوانات و برخورد مناسب با آن‌ها هم از جمله مواردی بود که در برخی از اظهارات عنوان شده است. در این جا یکی از این اظهارات ارائه می‌شود:

ما هروقت می‌ریم طبیعت، برای حیوون‌ها غذا می‌بریم... از چند ماه قبل براشون جمع می‌کنم می‌ذارم توی فریزر، موقع رفتن با خودمون می‌بریم... من چون شنیدم که زباله‌های ریز مثلاً آدامس ممکنه بره بچسبه به گلوی حیوانات و پرندگان و خفه‌شون کنه، هیچ‌وقت این جور چیزها رو بیرون پرت نمی‌کنم... به بقیه هم می‌گم این رو تا حواسشون باشه.

این بحث‌ها، حکایت از اهمیت حفظ محیط‌زیست و ممانعت از تغییر و تخریب بی‌رویه آن توسط انسان دارد. اظهارات نشان می‌دهد که پاسخ‌گویان در سه بُعد دغدغه زیست‌محیطی دارند؛ بعد دغدغه فیزیکی محیط، بعد دغدغه سلامت محیط و بعد دغدغه بقای سایر موجودات. هر سه این خرده مقوله‌ها تحت مقوله دغدغه زیست‌محیطی قرار داده شده‌اند.

۲. فشار هنجاری

دومین مقوله عمده به‌دست‌آمده در این تحقیق، جهت‌گیری زیست‌محیطی ناشی از فشار هنجاری است. این مقوله از خرده مقوله‌های ناامنی اخلاقی که به عدم احساس راحتی زنان در استفاده از وسایل عمومی مربوط می‌شود و همچنین نارضایتی از حضور و مشارکت فعال زنان در حوزه‌های تصمیم‌گیری در ارتباط با محیط‌زیست به‌دست آمده است. ناامنی اخلاقی عمدتاً ناشی از نارضایتی زنان از وضعیت بی‌اخلاقی که در وسایل عمومی تجربه کرده‌اند، احساس عدم راحتی‌شان در اتوبوس و تاکسی و همچنین عدم پذیرش عمومی جامعه در دسترس زنان به

دوچرخه است که جزو حمل‌ونقل پاک محسوب می‌شود. نتایج گفت‌وگو با زنان در این ارتباط نشان داد که زنان با وجود تمایل به استفاده از حمل‌ونقل عمومی و پاک در عمل با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند.

الف: ناامنی اخلاقی

پاسخ‌گویان درباره دلیل عدم استفاده خود از وسایل حمل‌ونقل عمومی، مشکلات اخلاقی را مطرح می‌کنند که بارها در سطح جامعه با آن‌ها روبه‌رو شده‌اند. اینکه زنان در تاکسی و اتوبوس‌ها، تحت نگاه خیره مردان قرار می‌گیرند و این امر موجب ناراحتی آنها می‌شود و عدم احساس امنیت را در آنها به وجود می‌آورد و از این رو ترجیح می‌دهند تا بیشتر از وسایل حمل‌ونقل شخصی استفاده کنند.

پاسخ‌گویی در این رابطه به مشکلات فرهنگی استفاده زنان از دوچرخه در سطح شهرها اشاره می‌کند و می‌گوید، با اینکه تمایل بسیاری دارد تا از حمل‌ونقل پاک استفاده کند، اما به دلیل اینکه استفاده از دوچرخه برای زنان نوعی هنجارشکنی در جامعه محسوب می‌شود، از این رو نمی‌تواند آن‌طور که مایل است رفتار کند و در نهایت هم ترجیح می‌دهد تا از خودروی شخصی استفاده کند.

این نارضایتی در بین پاسخ‌گویان وجود دارد که هنجارهایی از پیش تعیین‌شده مانع از شکل‌گیری رفتارهای دوستدار محیط‌زیست در جامعه می‌شود. یکی از همین نارضایتی‌ها ناشی از نوع نگاه به زن در جامعه ایران است. اینکه افراد در سطح جامعه با یک ذره‌بین به رفتارهای به‌ویژه زنان توجه می‌کنند، محدودیت‌هایی آزردهنده برای آنان ایجاد می‌کند که علی‌رغم میل باطنی خود اما به دلیل قدرت نیروهای بیرونی دست به رفتارهایی مغایر با ترجیحات زیست‌محیطی می‌زنند.

ب: بی‌اعتماد به زنان در مدیریت محیط‌زیست

زنان مصاحبه‌شونده بر این باور بودند که مدیریت زنان در حوزه‌های زیست‌محیطی می‌تواند نتایج بهتری در عرصه عمومی داشته باشد. پاسخ‌گویی در این باره می‌گوید:

به نظر من هر کسی لیاقت و جُرِبه بیشتری داره باید رأس کار محیط‌زیست باشه، اما چون خانم‌ها نکته بین‌ترن و به ظرایف دقت می‌کنن و بیشتر حس دلسوزانه و مادرانه دارن، باید توی این کار بیشتر دیده بشن. ولی کمتر اعتماد بهشون می‌شه... (۳۹ ساله، مدیر، کارشناسی ارشد)

یا این اظهارنظر وجود دارد که:

به نظر من آگه از خانم‌ها بیشتر تو حوزه‌های مدیریتی محیط‌زیست استفاده بشه خیلی می‌تونه توی کل جامعه و خانواده‌ها تأثیرگذار باشه... خانم‌ها همیشه به اطراف خودشون بیشتر اهمیت می‌دن... اما آقایون خیلی حواسشون به این چیزها نیست. کسانی که به شیوه‌ای رسمی کارهای زیست‌محیطی را عهده‌دارند دلسوز آن نیستند و کاش این موضوع مورد توجه قرار گیرد... البته به نظر من باید نقش خانم‌ها رو در زمینه حفاظت از محیط‌زیست جدی گرفت که تا به حال البته توجه کمتری بهش شده. به نظر من باید محیط‌زیست رو بدن دست خانم‌ها... آقایون همه‌ش دوست دارن هر جوری هست هزینه‌ها رو کم کنن... اما خانم‌ها مدیریت‌شون بهتره...

فریده در این باره می‌گوید:

من خیلی دوست دارم در مورد حفاظت از محیط‌زیست کارهای عملی انجام بدم... آگه شوهرم بذاره می‌رم تو کارهای مربوط به طبیعت فعالیت می‌کنم. اظهارات حاکی از ناخرسندی از موانعی است که به دلیل جنسیت پیش روی زنان است. مردسالاری رواج‌یافته در جامعه عامل اصلی نارضایتی زنان در محدودیت آنان در دستیابی به رفتارهای دوستدار محیط‌زیست است. این دو خرده مقوله تحت مقوله فشار هنجاری قرار گرفته‌اند.

۳. موانع ساختاری و نهادی

این پرسش که آیا مصرف‌کنندگان در انتخاب کنش‌های خود آزاد هستند یا توسط نیروهای خارج از کنترل خویش محدود می‌شوند، مباحث بسیاری را در علوم اجتماعی برانگیخته است. یکی از مهم‌ترین آنها درباره تأثیر نسبی عاملیت انسانی و ساختار اجتماعی در کار نظریه ساختاربندی^۱ گیدنز (۱۹۸۴) نمود دارد که تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه عاملیت و ساختار به یکدیگر مرتبط هستند. کار گیدنز نشان می‌دهد که رفتار نهایی فرد مجموعه‌ای است از عملکردهای اجتماعی که در یک سو متأثر از هنجارهای اجتماعی و انتخاب‌های سبک زندگی هستند و در سوی دیگر، از نهادها و ساختارهای اجتماعی تأثیر می‌گیرند (جکسون، ۲۰۰۵). سومین مقوله استخراج‌شده در این بخش، تحت عنوان موانع ساختاری و نهادی ارائه شده است. مقوله موانع ساختاری و نهادی از خرده مقولات:

- ضعف خدمات حمل‌ونقل شهری؛
- نارضایتی از عملکرد نهادی؛
- فرسایش اعتماد نهادی؛

^۱ Structuration Theory

الف: ضعف خدمات حمل و نقل شهری

پاسخ‌گویی در پاسخ به این پرسش که آیا برای کارهای روزانه خود از وسایل نقلیه عمومی استفاده می‌کند یا خیر می‌گوید:

خیلی دوست دارم تا از حمل‌ونقل عمومی استفاده کنم اما تو شهر ما امکانات خوب نیست... کم هم هستن... تازه تمیز هم نیستن... من چه جوری بچه کوچکم رو توی این اتوبوس یا تاکسی‌های کثیف سوار کنم.

پاسخ‌گویی دیگر در همین زمینه اظهار می‌دارد که وسایل عمومی از نظم و انضباط زمانی بی‌بهره‌اند: اتوبوس‌ها معلوم نیست کی میان کی می‌رن، یه بار باید ۵ دقیقه ایستی، یه بار ۱۵ دقیقه... خُب آدم وقتی عجله داره که نمی‌تونه به این‌ها اعتماد کنه... واسه تاکسی هم که خیلی از مردها نوبت رو رعایت نمی‌کنن... آدم که این‌ها رو می‌بینه دیگه محیط‌زیست از یادش می‌ره... می‌گه ول کن بابا یا با درست می‌رم یا با ماشین شخصی...

ب: نارضایتی از عملکرد نهادی

نارضایتی از حوزه امکانات شهری تنها به حمل‌ونقل عمومی محدود نمی‌شود و در مورد مصرف ظروف پلاستیکی و تفکیک زباله در مبدأ هم دیده می‌شود. مثلاً وقتی از پاسخ‌گویان پرسش‌هایی در زمینه میزان مصرف ظروف پلاستیکی یک‌بارمصرف و تفکیک زباله پرسیده می‌شود، عموماً از میزان توزیع گسترده‌ی این ظروف در فروشگاه‌ها و عدم همکاری شهرداری‌ها و نهادهای مربوطه در مورد تفکیک زباله صحبت می‌کنند. پاسخ‌گویی در زمینه مصرف مواد پلاستیکی علاوه بر تأکید بر عاملیت فردی، بر ساختار اجتماعی هم نظر دارد:

من حاضرم از راحتی خودم بگذرم... مثلاً ظرف یه‌بارمصرف کم استفاده کنم... اما اگه این همه مواد پلاستیکی که در دسترس ماست جمع بشه از بازار، این جمع‌کردن هم به عهده مسئولان شهریه. اصلاً نباید تولید بشه، ما هم از چیزهای دیگه استفاده می‌کنیم... اما وقتی همه‌جا از این‌ها ریخته خوب ما هم استفاده می‌کنیم. البته مردم هم باید همکاری کنند. به نظر من یکی از مشکلات فعلی جامعه ما در مورد محیط‌زیست که خانواده‌ها هم توش نقش دارن، استفاده زیاد از مواد پلاستیکیه که اگه دولت تولید اون‌ها رو محدود کنه و از سطح بازار جمعشون کنه، اوضاع خیلی بهتر می‌شه... از یه طرف می‌گن پلاستیک این همه سال طول می‌کشه بازیافت بشه، بعد از یه طرف کلاً می‌ریزن

تو بازار... خوب این نشون می‌ده خودشون هم خیلی به حرف‌های خودشون باور ندارن. (۶۰ ساله، کارمند بازنشسته)

پاسخ‌گویی هم دلیل استفاده از مواد پلاستیکی یک‌بارمصرف را فراوانی و زیادبودن این مواد می‌داند: من از پلاستیک خیلی استفاده می‌کنم... اگه نکنم چی کار کنم؟ وقتی هست خب استفاده می‌کنم... در موضوع تفکیک زباله هم این بحث مطرح بود که آیا مصاحبه‌شوندگان در زندگی روزانه خود قائل به تفکیک زباله در مبدأ هستند؟ بسیاری از پاسخ‌گویان جزو افرادی بودند که پیش‌تر دست به تفکیک زباله زده بودند اما به دلیل نارضایتی از نحوه جمع‌آوری آنها توسط شهرداری، در حال حاضر تمایلی به انجام آن نداشتند و این کار را کنار گذاشته بودند. پاسخ‌گویی خود را علاقه‌مند به تفکیک زباله نشان می‌دهد اما می‌گوید:

من تفکیک نمی‌کنم... توی محله ما شهرداری هم پیگیر نیست... ولی اگه پیگیری کنه تفکیک می‌کنم.

پاسخ‌گویی درباره تفکیک زباله می‌گوید:

من قبلاً زباله‌هام رو تفکیک می‌کردم اما روز تحویلش که می‌رسید ماشین مخصوص جمع‌آوری، این‌قدر زود از جلوی خونه ما رد می‌شد که من تا می‌رسیدم پایین رفته بود... من هم دیدم دیگه با دو تا بچه نمی‌تونم سریع‌تر از این برم و الان دیگه تفکیک نمی‌کنم.

برخی از پاسخ‌گویان هم نظری این‌چنین داشتند و اظهار کردند که به خاطر همین مشکل در حال حاضر دیگر در خانه تفکیک زباله انجام نمی‌دهند. پاسخ‌گویی دیگر می‌گوید:

من زباله‌های خشک را تفکیک می‌کنم اما آن‌ها را به همراه زباله‌ی تر جلوی

درب منزل می‌گذارم و هر دوی زباله‌ها همزمان جمع‌آوری می‌شوند و در واقع

فرایند تفکیک زباله جلوی درب منزل متوقف می‌شود.

برخی پاسخ‌گویان هم این‌گونه اظهار می‌داشتند که زباله‌ها را فقط در بیرون از منزل و جایی که ببینم مثلاً در معابر عمومی سطل‌های جدا گذاشته‌اند تفکیک می‌کنیم و اصلاً در خانه دست به چنین کاری نمی‌زنم.

پاسخ‌گویی دیگر هم که پیش‌تر تا حد امکان ضایعات خانه‌اش را تفکیک می‌کرد و خودش اقدام به تحویل‌دادن آن‌ها می‌کرد، این کار را ترک کرده بود و می‌گفت: الان دیگه کمتر اصرار به این کار دارم، خسته شدم دیگه.

ج: فرسایش اعتماد نهادی

یکی از دلایل تقریباً متفاوت برای تن‌دادن به موضوع تفکیک زباله و ضایعات خانگی را سولماز مطرح کرد. او می‌گوید:

من تفکیک نمی‌کنم چون به نظر من، مثلاً از شیشه نوشابه‌هایی که ما توش نوشابه خوردیم، بدون رعایت بهداشت دوباره استفاده می‌کنن. من به انسان‌ها اطمینان ندارم، اون‌ها رو دوباره به خورد ما می‌دن، این‌ها بهداشتی نیستن....
نرگس هم در این رابطه می‌گوید:

من از مواد پلاستیکی بازیافتی استفاده نمی‌کنم... بوی خیلی بدی دارن... معلومه که موادشون سالم نیست... به نظر من درست بازیافت نمی‌کنن... کارخونه‌ای که پسابش رو می‌ریزه توی رودخونه، رو چه حسابی تو بازیافت خیانت نمی‌کنه.

یکی از پاسخ‌گویان که معلم بود و به شعارها و وعده‌های مسئولان هم بسیار بی‌اعتماد بود به عدم هماهنگی بین شهرداری، سازمان محیط‌زیست و مدارس اشاره می‌کند:

ما تو مدرسه هر روز امتحان می‌گیریم و کاغذ مصرف می‌کنیم. یه روز نیومدن تا این‌ها رو از ما تحویل بگیرن ببرن بازیافت کنن... این همه مدرسه... این همه ورق. کسی مراقب این اوضاع نیست... محیط‌زیست تو کشور ما مسئول نداره.

این سه خرده مقوله که تحت مقوله موانع ساختاری و نهادی طبقه‌بندی شده‌اند نشانگر آن هستند که نارضایتی شهروندان از کیفیت خدمات شهری، بی‌توجهی مسئولان به موضوعات زیست‌محیطی و عدم اعتماد به مسئولان نسبت به عملکردهای مربوط به حوزه محیط‌زیست مانع از توجه شهروندان نسبت به دغدغه‌های زیست‌محیطی‌شان می‌شود.

۴. مصرف‌گرایی

مصرف می‌تواند به منزله نوعی تلاش کارکردی به منظور بهبود رفاه فردی و جمعی از طریق تأمین کالاها و خدمات لازم برای ارضای نیازها و خواسته‌های مردم باشد (مس-کلل و همکاران، ۱۹۹۵، بگ و همکاران، ۲۰۰۳). اما این نکته را باید در نظر گرفت که شیوه زندگی مصرفی، به لحاظ اکولوژیکی می‌تواند عمیقاً آسیب‌پذیر باشد (واچل^۱، ۱۹۸۳). مصرف‌گرایی یکی از مقولاتی است که حاصل توجه پاسخ‌گویان به بعد لذت‌جویی و اهمیت رفاه در حوزه خصوصی زندگی است. در این بخش، تقابل بین رفاه فردی و اهمیت حفاظت از محیط‌زیست و منابع آن، بیشتر به چشم می‌خورد. وقتی از پاسخ‌گویان در این باره پرسیده شد که تا چه حد سعی می‌کنید در زندگی خود به خاطر طبیعت و اهمیت آن، از مصرف انرژی بکاهید، پاسخ‌گویان بیشتر بر موضوع رفاه زندگی و رضایت از مصرف تأکید داشتند.

پاسخ‌گویی در این باره می‌گوید:

¹ Watchel

من اصلاً به خاطر محیط‌زیست از رفاه خودم نمی‌گذرم... امکانات زندگی من باید کامل باشد... من می‌دونم باید کم مصرف کنم، به همه هم تذکر می‌دم حتی حواسم هست که بچهم نبینه دارم اسراف می‌کنم چون نمی‌خوام واسه اون الگو باشم اما من اصلاً انرژی رو جزو طبیعت نمی‌دونم. تو برق هم صرفه‌جویی نمی‌کنم. الان هم که فصل سرده توی خونه آستین کوتاه می‌پوشم. روشنایی من باید کامل باشد. تنها کاری که می‌کنم اینه که سعی می‌کنم در ساعت اوج مصرف لباس‌شویی روشن نکنم... حموم هم باید حسابی گرم باشد. آب هم داغ. آب به من احساس آرامش می‌ده و لذت‌بخشه.

دانشجوی ۲۵ ساله کارشناسی ارشد هم حاضر نبود تا به خاطر محیط‌زیست از رفاه خود صرف‌نظر کند و می‌گفت:

تا جایی که به راحتی صدمه نخوره به محیط‌زیست فکر می‌کنم. من اصلاً تحمل سرما رو ندارم، خونه رو خیلی گرم می‌کنم... هوای خونه که سرد باشد نمی‌تونم به کارهام برسم.

۵. دین‌ابزاری

پاسخ‌های برخی از زنان نشان می‌دهد که به فراخور آموزه‌های دینی، تأکید و توجه آن‌ها به برخی از مسائل رفتاری متفاوت است. پاسخ‌گویان در برخی موارد با تمسک به دین اظهار می‌دارند که صرفه‌جویی و توجه به منابع طبیعی برایشان اهمیت دارد. این بحث در حوزه انرژی و به‌ویژه آب پُررنگ بود. پاسخ‌ها نشان می‌دهد که با وجود اینکه برخی از زنان، چندان قائل به اهمیت مسئله انرژی نیستند، اما در مورد آب متفاوت فکر می‌کنند و برای توجیه این دوگانگی از دین کمک می‌گیرند: پاسخ‌گویی می‌گوید:

من توی آب صرفه‌جویی می‌کنم... آب کابین حضرت فاطمه‌ست... خیلی برام مهمه. حموم من ده دقیقه طول می‌کشه.

فرد دیگری که در مورد دلیل کم‌مصرف کردن آب به بحث دینی متوسل می‌شود و اظهار می‌دارد به دلیل باورهای دینی در مصرف آب صرفه‌جویی می‌کند، اما در مورد مصرف برق این‌گونه اظهار می‌کرد:

تو خونه‌م تو برق صرفه‌جویی می‌کنم به خاطر پولش... اما توی محیط کارم نه، توی خونه اگه از اتاق بیام بیرون برق رو خاموش می‌کنم اما توی محیط کار برام مهم نیست.

این موارد حاکی از تناقض و دوگانگی در اعتقاد به آموزه‌های دینی دارد. دین تنها در جایی به کار می‌آید که عادات و سنت‌های گذشته با آن همراهی دارند. آب از قدیم مورد توجه ایرانیان بوده است و حداقل نه در عمل که در گفتار به شیوه مصرف آب اهمیت می‌دهیم و حساسیت

نسبت به آن داریم. در نتیجه به راحتی می‌توانیم آن را با موضوعات دینی و دین‌باوری پیوند بزنیم. اما آیا انرژی‌های طبیعی دیگر اهمیتی کمتر از آب دارند؟

۶. تأخر فرهنگ زیست‌محیطی

مقوله عمده دیگری که در این تحقیق استخراج شده است، مقوله تأخر فرهنگی است. مفهوم تأخر فرهنگی اولین بار در سال ۱۹۲۲ توسط ویلیام اگبرن^۱ به کار رفت. هدف او از به کارگیری این مفهوم این بود تا بگوید زمانی که اجزای به هم مرتبط یک فرهنگ به برخی از تغییرات به گونه‌ای کاملاً متفاوت یا با سرعتی متفاوت واکنش نشان می‌دهند، چه اتفاقی می‌افتد. آنچه در مقوله تأخر فرهنگ زیست‌محیطی بارز است، این است که به‌غیر از پاسخ‌گویی که هیچ‌گونه توجهی به موضوع مصرف انرژی نداشتند، بقیه پاسخگویان متوجه تأثیر هزینه مادی رفتار در ارتباط با انرژی بودند و اظهار می‌کردند که هزینه مصرف انرژی در نحوه رفتار آنها تأثیرگذار است. بدین معنا که بسیاری از زنان دلیل صرفه‌جویی در مصرف انرژی یا رفتارهای مشابه با آن در داخل منزل را در نظر گرفتن هزینه اقتصادی خانوار مطرح می‌کردند. به نظر می‌رسد کنش‌های زنان در ارتباط با رفتارهای سازگار با محیط‌زیست بیشتر نشأت گرفته از نیازهای کوتاه‌مدت و هزینه‌ای است. یعنی زنان توجه چندانی به پیامدهای تخریب محیط‌زیست در بلندمدت و اثر بازگشتی آن در زندگی انسان‌ها نمی‌کنند و هزینه‌های جاری خانواده را ارجح بر منافع جمعی می‌دانند. مقوله تأخر فرهنگی متشکل از خرده‌مقوله‌های زیر است:

- رشد بعد مادی فرهنگ مصرف؛
- ضعف آگاهی زیست‌محیطی؛
- مقاومت در قبال تغییر عادات گذشته؛

الف: رشد بعد مادی فرهنگ مصرف

یکی از پاسخ‌گویان در این زمینه اظهار داشت:

من اگه اصرار پدرم نباشه تا به خاطر هزینه در مصرف انرژی صرفه‌جویی کنیم، اصلاً این کار رو نمی‌کردم... خیلی دوست دارم تا توی زمستون خونه این قدر گرم باشه تا راحت توش بگردم و کم لباس بپوشم، ولی چون پول گاز خیلی می‌آد، باید حواسمون به مصرف باشه. (۲۶ ساله، کارشناسی‌ارشد، مجرد)

در اینجا باید به این موضوع اشاره کرد که تقریباً قریب به اتفاق کسانی که از کم مصرف کردن انرژی در منزل صحبت می‌کردند، دلیل این کار خود را توجه به کاهش هزینه‌های مادی عنوان می‌کردند. پاسخ‌گویی در این باره استفاده از لامپ‌های کم مصرف را مطرح می‌کند و می‌گوید:

¹ Ogburn

باینکه به نظر من لامپ‌های کم‌مصرف خیلی ظاهر زشتی دارن و نورشون کم‌رنجه... اما به‌خاطر اینکه برق خیلی گرونه، ما همه لامپ‌های خونه رو کم‌مصرف کردیم... شنیدم که واسه سلامتی هم ضرر دارن ولی خُب نمی‌شه کاریش کرد دیگه...

ب: ضعف آگاهی زیست‌محیطی

از سویی دیگر شاهد ضعف آگاهی زیست‌محیطی پاسخ‌گویان در ارتباط با موضوع تفکیک و بازیافت هستیم. پاسخ‌گویی در این باره می‌گوید:

من زباله‌هام رو تفکیک نمی‌کنم تا بدم دست دولت تا ضررش به خودم برگرده... بعضی از این ظرف‌های پلاستیکی که جنسشون خوب نیست، بازیافتی‌ان، آسیب این‌ها به خودم و خانوادم می‌رسه، پس برای چی بازیافت کنم؟ اگه بذارمشون کنار بعداً بفروشمشون سودش برام بیشتره... (۴۵ ساله، فروشنده، فوق‌دیپلم)

پاسخ‌گویی در مورد تفکیک زباله خانگی می‌گوید:

من زباله‌هام رو جدا می‌کنم اما بعد هر دوتا رو با هم می‌ذارم دم در... نمی‌دونم موقع برداشتن مأمور شهرداری این‌ها رو از هم جدا می‌کنه یا نه. (۴۰ ساله، خانه‌دار، زیردیپلم).

پاسخ‌گویی دیگر هم وقتی در مورد تفکیک زباله خانگی صحبت می‌کند می‌گوید:

من اصلاً حوصله این کار رو ندارم که بخوام آشغال‌ها رو جدا کنم... حالا اصلاً جدا کنم که چی بشه.

این پاسخ‌ها نشان از این دارد که فرهنگ آگاهی از موضوع بازیافت به‌خوبی در بین زنان شکل نگرفته است و از این رو این موضوع را خیلی جدی تلقی نمی‌کنند و حتی اگر هم زباله‌های خود را تفکیک کنند، این کار را تا آخر پیگیری نمی‌کنند تا زباله‌های تفکیک‌شده را جداگانه تحویل دهند.

ج: مقاومت در قبال تغییر عادات گذشته

البته در مقوله تأخر فرهنگی یکی دیگر از موضوعات تأثیرگذار، نقش عادات مصرفی زنان بود. اغلب مصاحبه‌شوندگان بر این موضوع اشاره می‌کردند که شیوه مصرف آنها در مورد انرژی، ریشه در عادات مصرفی دارد. در ادامه نمونه‌هایی از اظهارات پاسخ‌گویان که نشان‌دهنده عادات‌های مصرفی نادرست زنان است ذکر می‌شود:

من وقتی ظرف می‌شورم آب همیشه باز می‌مونه... عادت کردم... سخته برام هی ببندم هی باز کنم. حموم هم که می‌رم از اولش آب رو باز می‌کنم تا وقتی که بیام بیرون... از اولش مدلم این‌جوری بود.

پاسخ‌گویی دیگر هم در مورد نقش عادت در شیوه مصرف می‌گوید:

در مورد آب اصلاً صرفه‌جویی ندارم، خیلی دوست دارم این کار رو بکنم اما به عادت بدی که دارم اینه که باید ده دقیقه قبل آب گرم حموم رو باز بذارم تا حموم گرم بشه.

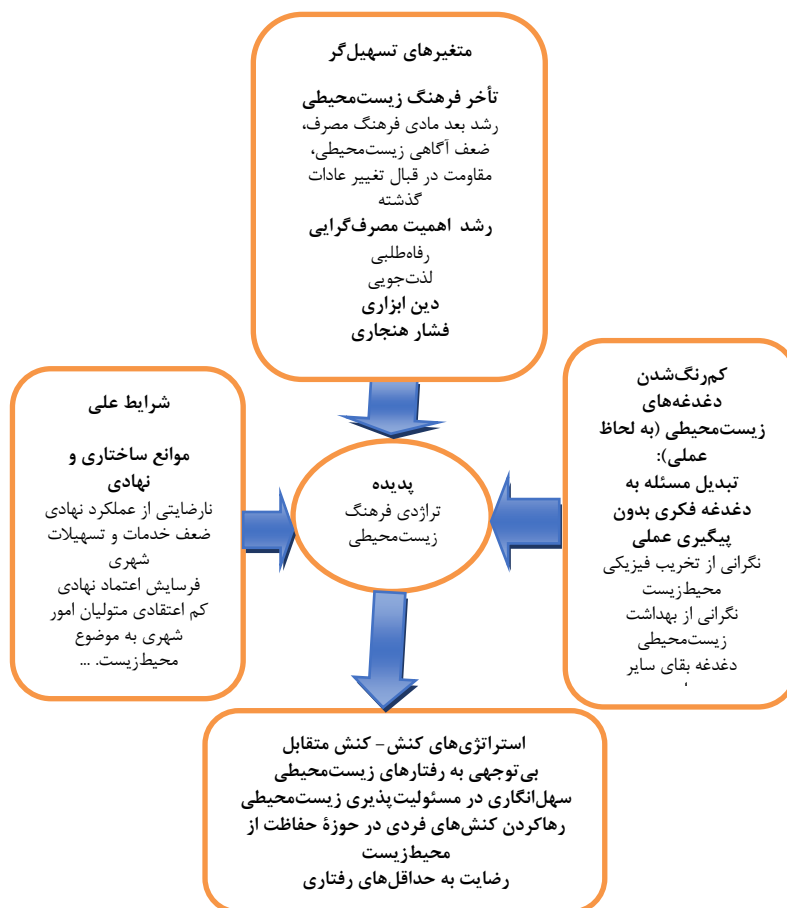
عادت گرم کردن آب حمام قبل از ورود به آن، موضوعی بود که در پاسخ‌های برخی دیگر از زنان هم به آن اشاره شده است. این امر نشان می‌دهد که عادات رفتاری یکی از موانعی است که بر سر راه رفتارهای سازگار با محیط‌زیست وجود دارند و مانع از چرخش در رفتار به نفع محیط‌زیست می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پرسش اساسی تحقیق حاضر این بود که اساساً جهت‌گیری زنان مورد مطالعه در مورد رفتارهای خردی که داخل خانه و اطراف آن انجام می‌دهند و اثرات زیست‌محیطی آنها چگونه است و عوامل تأثیرگذار بر این جهت‌گیری کدام‌ها هستند؟ شیوه کار براساس مصاحبه نیمه‌ساختاریافته شکل گرفت و محورهای اصلی مصاحبه را نگاه زنان به محیط‌زیست، اولویت رفاه زندگی یا محیط‌زیست، موضوع انرژی، تفکیک زباله خانگی و در نهایت سبک زندگی سازگار با محیط‌زیست شکل دادند. بر این اساس، پس از گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها براساس مراحل کدگذاری سه‌گانه نظریه زمینه‌ای در پاسخ به پرسش‌های پژوهش و استخراج خرده‌مقوله‌ها و مقوله‌های عمده، مدل مفهومی (شکل ۱)، با ارائه مقوله هسته با عنوان تراژدی فرهنگ زیست‌محیطی حاصل شد. در شکل‌دهی به مقوله هسته، از مفهوم تراژدی فرهنگ زیمل^۱ الگوبرداری شده است. زیمل فرهنگ انسانی را به مثابه رابطه دیالکتیکی بین آنچه او فرهنگ عینی و فرهنگ ذهنی می‌نامید، تعریف می‌کرد. تراژدی فرهنگ زمانی اتفاق می‌افتد که فرهنگ عینی بر فرهنگ ذهنی غلبه می‌کند. نتایج این تحقیق هم نشان داد که نوعی عدم پیوستگی بین دغدغه‌های زیست‌محیطی زنان و عملکردهای واقعی آنان وجود دارد. در توضیح این امر باید گفت که شرایط فعلی موجود در این تحقیق که با عنوان موانع ساختاری و نهادی مقوله‌بندی شده است و دربردارنده نارضایتی از عملکرد نهادی، ضعف خدمات و تسهیلات شهری، فرسایش اعتماد نهادی و سهل‌انگاری متولیان امور شهری به موضوعات زیست‌محیطی

¹ Simmel

است، با همکاری عوامل و متغیرهای تسهیل‌گر عمل که در این تحقیق، تأخر فرهنگ زیست‌محیطی، فردگرایی، رشد مصرف‌گرایی، استفاده ابزاری از دین و فشار هنجاری هستند، منجر به کم‌رنگ‌شدن دغدغه زیست‌محیطی زنان و همچنین عدم شکل‌گیری رفتار مسئولانه زیست‌محیطی در آنها شده است. بدین معنا که با وجود اینکه دغدغه زیست‌محیطی در زنان شکل گرفته است، اما این دغدغه، تنها در سطح ذهنی برای آنها باقی مانده است و به مرحله رفتار سازگار با محیط‌زیست نرسیده است. در مدل پارادایمی ارائه‌شده (شکل ۱) نمایش نحوه قرارگرفتن مقولات عمده در ارتباط با مقوله هسته به درک بهتری از موضوع کمک می‌کند.



شکل ۱. مدل پارادایمی حول پدیده تراژدی فرهنگ زیست محیطی

مدل پارادایمی گویای آن است که برخی شرایط علی و تسهیل‌گر حاکم بر اوضاع زندگی فردی و اجتماعی باعث شده است تا با وجود اینکه زنان به گونه‌ای ذهنی قائل به وجود مسائل و

مشکلات زیست‌محیطی هستند، اما در عملکردهای روزانه آنها، چندان نشانی از این دغدغه‌ها و نگرانی‌ها ملاحظه نمی‌شود. شرایط علی که مانع از بروز رفتارهای سازگار با محیط‌زیست از سوی زنان می‌شود و در شکل‌گیری تراژدی فرهنگ زیست‌محیطی تأثیرگذار است، موانع ساختاری و نهادی است که برآمده از ضعف خدمات و تسهیلات شهری، ناکارآمدی نهادهای شهری و متعاقب آن فرسایش اعتماد نهادی و حتی عدم اعتقاد متولیان امور شهری به موضوعات زیست‌محیطی است. این موارد بیشتر بر این امر تأکید دارند که ساختارهای اجتماعی و نهادی موجود، حمایت و علاقه‌ای برای پیشبرد رفتارهای سازگار با محیط‌زیست شهروندان نشان نمی‌دهند و زنان یکی از دلایل عمده ترک این رفتارها از سوی خود را همین عوامل معرفی می‌کنند. شرایط و متغیرهای علی که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رفتار زنان دارند، این تعیین‌کنندگی را البته به واسطه سایر عوامل مداخله‌گر تسهیل می‌کنند. این عوامل مداخله‌گر و تسهیل‌گر بیشتر در حوزه عوامل فرهنگی، مصرف‌گرایی و لذت فردی و البته شرایط هنجاری و به اصطلاح فشار هنجاری موجود در سطح جامعه قابل طبقه‌بندی‌اند. نکته مهمی که در بحث از شرایط تسهیل‌گر می‌توان به آن اشاره کرد، استفاده ابزاری زنان از آموزه‌های دینی است. به گونه‌ای که آموزه دینی تمام رفتارهای مصرف را پوشش نمی‌دهد و به صورت سلیقه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین در شرایط واقعی زندگی، بعد مادی فرهنگ مصرف تنها زمانی که پای منفعت فردی در میان باشد می‌تواند به کمک محیط‌زیست بشتابد و در بحث از منافع جمعی و اهمیت ذاتی محیط‌زیست، محلی از اعراب ندارد. بدین معنا که شاید فرد در خانه به منظور کاهش هزینه‌های مصرفی در استفاده از انرژی دقت به خرج دهد اما این موضوع در محل کار یا در مکان‌های جمعی اتفاق نمی‌افتد. البته توجه به کاهش هزینه‌ها برای خانواده‌هایی که استطاعت مالی دارند مطرح نیست و بدون در نظر گرفتن این موضوع مصرف‌نا سازگار با محیط‌زیست را تجربه می‌کنند. در بحث از عوامل فرهنگی، البته ضعف آگاهی زنان در مورد موضوعات مرتبط با تفکیک زباله در مبدأ و بازیافت و عدم توانایی برخی از زنان در دل‌کندن از عادات و شیوه‌های رفتار گذشته هم به چشم می‌خورد که حکایت از عدم فرهنگ‌سازی درست در زمینه محیط‌زیست دارد.

در بحث از عوامل تسهیل‌گر شکل‌گیری تراژدی فرهنگ زیست‌محیطی، موضوع احساس عدم امنیت اخلاقی در سطح جامعه و نادیده گرفتن زنان در فعالیتهای مشارکتی زیست‌محیطی و در کل فشار هنجاری نقش مهمی دارد. یافته‌ها نشان داد ناامنی اخلاقی که زنان در سطح جامعه احساس می‌کنند مانع از این می‌شود که آنها در حوزه عمومی از وسایل حمل‌ونقلی که سازگارتر با محیط‌زیست هستند استفاده کنند و به خاطر اجتناب از تکرار تجربه رفتارهای غیراخلاقی که برایشان رخ داده است تمایلی به استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی

ندارند. البته در همین رابطه نادیده گرفته شدن نقش زنان در حوزه‌های مشارکت اجتماعی حداقل در مورد موضوعات زیست‌محیطی در دلسرد کردن آنان برای بروز رفتارهای سازگار با محیط‌زیست بی‌تأثیر نبوده است.

همه این موارد حاکی از این هستند که عوامل ساختاری و نهادی — اعم از فرهنگی و اجتماعی — جایگاه پُرنرنگی در جهت‌دادن به تصمیمات فردی دارند. ساختار خود را بر شیوه عمل فردی تحمیل می‌کند و عامل خود را مقید و محدود می‌بیند تا رفتار اجتماعی خود را با ساختار هماهنگ کند. در اینجا عامل اجتماعی به دلیل نارضایتی از شیوه اعمال ساختار، کنش انفعالی در پیش می‌گیرد و دست به انتخاب فردی می‌زند که این انتخاب فردی لزوماً هم نوعی رفتار سازگار با جامعه و درنهایت محیط‌زیست نیست. زنان مورد مطالعه در این پژوهش به جای کنش ایجابی، کنش سلبی را انتخاب می‌کنند و با وجود اینکه جهت‌گیری ذهنی آنها همسو با محیط‌زیست است اما در واقعیت در نقطه مقابل این جهت‌گیری عمل می‌کنند.

ملاحظه این دوگانگی در محتوای مصاحبه‌های انجام‌یافته و عدم تطابق دغدغه‌های ذهنی با عملکرد زنان در واقعیت به پدیده‌ای با عنوان تراژدی فرهنگ زیست‌محیطی اشاره می‌کند. این پدیده نشان می‌دهد که شکاف عمیقی بین ابعاد ذهنی جهت‌گیری‌های زیست‌محیطی زنان و ابعاد عملی و عینی آن وجود دارد که در نهایت منجر به عدم پیوستگی زنان با موضوعات زیست‌محیطی شده است. می‌توان گفت که نتیجه برآمده از این پژوهش نشان می‌دهد که تأخر فرهنگ زیست‌محیطی، عوامل ساختاری و نهادی، مصرف‌گرایی و فشار هنجاری جامعه از جمله عوامل مؤثر بر کم‌رنگ شدن دغدغه‌های زیست‌محیطی زنان و در نهایت نشان‌دادن رفتار ناسازگار با محیط‌زیست و شکل‌گیری تراژدی فرهنگ زیست‌محیطی هستند.

تراژدی فرهنگ زیست‌محیطی آنچه با خود به همراه دارد درنهایت بی‌توجهی به کنش‌های دوستدار محیط‌زیست و رهاشدگی مسئولیت‌پذیری در این مسیر است.

پیشنهاده‌ها

نتایج این تحقیق نشان داد که دغدغه زیست‌محیطی در زنان شکل گرفته است، اما به دلیل وجود برخی شرایط بازدارنده اجتماعی و فرهنگی، این دغدغه تبدیل به عمل نمی‌شود. از این رو اگر می‌خواهیم در جهت حل بخشی از بحران زیست‌محیطی جامعه حرکت کنیم ضروری است در ارتباط با موارد زیر تأملاتی عمیق صورت گیرد:

الف) در بعد ساختاری مسئولان شهری موظفند با کارآمد ساختن عملکرد خود باعث شکل‌گیری مجدد اعتماد نهادی شوند؛ چراکه در عصر امروز ضعف اعتماد مردم به مسئولان که در زمره

¹ Structure

² Agency

فرسایش اعتماد نهادی است، می‌تواند در تمامی حوزه‌ها و ازجمله نگهداشت و بقای محیط‌زیست آسیب‌های جدی‌تری را حادث گردد. براساس یافته‌ها، ضعف باور مسئولان به بحرانی‌بودن اوضاع محیط‌زیست در کنار نارسایی آنان در ارائه خدمات شهری ازجمله موارد مهمی بوده است که خود موجب تزلزل در جهت‌گیری‌های مثبت ذهنی شهروندان نسبت به محیط‌زیست بوده است.

ب) فرهنگ‌سازی زیست‌محیطی با تأکید بر رعایت اصول مصرف آب و مواردی مانند آن از طریق رسانه‌های ارتباطی محلی و ملی، دیداری و شنیداری و حتی فضاهای مجازی می‌تواند ضمن ارتقای دانش زیست‌محیطی شهروندان، در ترجیحات آنان تأثیرات مثبتی را ایجاد کند و از این طریق به‌صورت تدریجی عادات نادرست شهروندان را به سمت رفتارهای حافظ محیط‌زیست هدایت کند.

ج) تقویت ابعاد سازه دین‌داری جهت احتراز از نگاه ابزاری به دین تقویت‌کننده بسیاری از خصایص عملی مثبت اجتماعی است؛ به این نحو که این امر می‌تواند در ویژگی‌های فردگرایانه شهروندان که براساس یافته‌ها رفاه‌طلبی و توجه وافر به امر تلذذ از مصادیق اصلی آن بوده است؛ حداقل در درازمدت تعدیل‌هایی را باعث گردد.

د) کاهش احساس ناامنی اخلاقی زنان یکی از متغیرهای کلیدی تأثیرگذار در حضور زنان در عرصه‌های عمومی اجتماعی است که می‌تواند در حوزه‌های تصمیم‌گیری، نظارت و اجرای طرح‌های بقای زیست‌محیطی نقش شایانی را ایفا کند. این امر عملی نمی‌شود مگر اینکه در این خصوص در سطح کلان و خرد، فرهنگ‌سازی‌های عینی‌تری صورت پذیرد.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که این تحقیق نیز مانند تحقیقات دیگر به‌ویژه اجتماعی و فرهنگی دچار محدودیت‌هایی بوده است. ازجمله اینکه این پژوهش رویکردی کیفی داشته و به‌هیچ‌وجه ادعای تعمیم نتایج کار خود به جامعه آماری بزرگ‌تری را ندارد. موضوع جامعه‌شناسی محیط‌زیست در ایران در سال‌های اخیر در حال شکل‌گیری است و مطالعات برآمده از این حوزه، عموماً جنبه کمی و آماری دارند. این تحقیق جزو محدود مطالعاتی است که در حوزه جامعه‌شناسی محیط‌زیست در ایران به شیوه‌ای کیفی انجام یافته است و سعی کرده است با ارائه بحث زنان و رفتارهای خرد زیست‌محیطی، مباحث بومی که منتج از داده‌های بومی هستند ارائه دهد. باید به این موضوع هم اشاره کرد که منابع مربوط به این حوزه هم که برخاسته از فرهنگ و شرایط جامعه ایرانی باشند، به‌شدت محدود بوده است و همین موضوع روند کار را با مشکل مواجه می‌کرد.

در پایان، این تحقیق امید دارد تا با نشان‌دادن محدودیت‌های موجود بر سر راه شکل‌گیری رفتارهای سازگار با محیط‌زیست بتواند راهگشای تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاری‌های شهری

در ایجاد هماهنگی بیشتر بین دغدغه‌های زیست‌محیطی ذهنی زنان با کنش‌های روزمره زندگی آنها و سوق دادن بیشتر زنان به سمت بروز رفتارهای زیست‌محیطی باشد.

منابع

- بری، ج (۱۳۸۰) *محیط‌زیست و نظریه اجتماعی*، ترجمه ج. پویان و ن. توکلی، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- ساتن، ف (۱۳۹۲) *درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط‌زیست*، ترجمه ص. صالحی، تهران: انتشارات سمت.
- صالحی، ص، کبیری، ا و کریم‌زاده، س (زیر چاپ) «بررسی نقش جنسیت در جهت‌گیری‌های زیست‌محیطی (مورد مطالعه: ارومیه)»، *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*.
- عباس‌زاده، م (۱۳۹۱) «تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۲۳ (۴۵): ۱۹-۳۴.
- عزیزی، م، مهدی‌زاده، ح و شبیری، س. م (۱۳۹۱) «بررسی وضعیت رویکرد زیست‌محیطی زنان خانه‌دار شهر ایلام»، *فصلنامه انسان و محیط‌زیست*، شماره ۲۲: ۷۷-۸۷.
- فلیک، ا (۱۳۸۸) *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه ه. جلیلی، تهران، نشر نی.
- Corbin, J & Strauss, A (2008) *Basics of Qualitative Research* (Third Edition), London: Sage Publications.
- Dalen, H. M & Bent, H (2011) Gender Differences in Environmental Related Behavior, Statistics Norway, Oslo-Kongsvinger, Reports 38.
- Dankelman, I (2005) 'Women: Agent of Changes for the Environment', Available on: www.aaws07.org/english3/speech/5.2.
- Davis, K (1993) *Extreme Social Isolation of a Child: Final Note on a Case of Extreme Isolation*, Irvington Pub. CA.
- Denzin, N & Lincoln, Y (2000) *Handbook of Qualitative Research*, London: Sage Publications.
- Dey, I (1999) *Grounding Grounded Theory Guidelines for Qualitative Inquiry*, San Diego: Academic Press.
- Eaton, H & Lorentzen, L. A (2003) *Ecofeminism and Globalization*, Rowman & Littlefield Publisher, Inc.
- Feng, W & ZhiHua, C (2009) Gender Differences in Public Environmental Behaviors and Their Changes based on Data Taken During 2006 and 2009 in Xi'an, China, Unpublished Dissertation, Northwest University, Northwest, USA.
- Glaser, B & Strauss, A (1967) *Discovery of Grounded Theory*, Chicago: Aldine.

- Griffin, S (1978) *Woman and Nature; the Roaring inside Her*, New York: Harper and Row.
- Krippendorff, K (2004) *Content Analysis _ An Introduction to Its Methodology*, (2nd ed.), Thousands Okas, California: Sage Publications.
- Kvale, S (1996) *Interviews an Introduction to Qualitative Research Interviewing*, Thousands Okas, California: Sage Publications.
- Lowe, G. D & Pinhey, T. K (1982) 'Rural-Urban Differences in Support for Environmental Protection', *Rural Sociology*, 47 (1): 114-128.
- Marshall, P (2003) 'Human Subjects Protections', *Institutional Review Boards and Cultural Anthropological Research*, 76 (2): 269-85.
- Mayer, E (1994) 'The Power and the Promise of Ecofeminism, Reconsidered, Honors Projects', Paper 4, Available on: http://digitalcommons.iwu.edu/phil_honproj/4.
- Mellor, M (2003) *Gender and the Environment in Ecofeminism and Globalization*, Oxford: Littlefield Publication, INC.
- Morgan, J (1992) *Ecofeminism an Emerging Social Movement*, Unpublished Dissertation, University of Minnesota, Minnesota.
- Oste, H (2011) 'Eco-Feminism: Historical and International Evolution', Available on: www.clas.ufl.edu/users/bron/PDF, Dated on 12/08/2011.
- Powell, R. R (1999) 'Recent Trends in Research: A Methodological Essay', *Library and Information Science Research*, 21: 91-119.
- Samarasinghe, D (2010) *Green Consumerism: Individual's Ethics and Politics as Predictors of Pro-Environmental Behaviour*, Unpublished Dissertation, University of Sri Jayewardenepura, Nugegoda, Sri Lanka.
- Scott, J (2000) 'Rational Choice Theory', In G. Browning, A. Halcli, & F. Webster (Eds.), *Understanding Contemporary Society: Theories of The Present*, London: Sage Publications.
- Scott, D & Willits, F. K (1994) 'Environmental Attitudes and Behavior: A Pennsylvania Survey', *Environment and Behavior*, 26 (2): 239-260.
- Stark, R & Glock, Ch (1970) *American Piety: The Nature of Religious Commitment*, California: University of California Press.
- Stern, P. C & Dietz, T (1994) 'The Value Basis of Environmental Concern', *Journal of Social Issues*, 50 (3): 65-84.

- Strauss, A & Corbin, J (1998) *Basics of Qualitative Research, Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory* (2nd Edition), Thousand Oaks, CA: Sage.
- Strauss, A. L (1987) *Qualitative Analysis for Social Scientists*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Sudarmadi, S, Suzuki. S, Kawada, T, Nehi. H, Soemantri. S, & Tri. T (2001) 'A Survey of Perception, Knowledge, Awareness, and Attitude in Regard to Environmental Problems in a Sample of Two Different Social Groups in Jakarta, Indonesia', *Journal of Environment Development and Sustainability*, Vol.3, No.2: 169-183.
- Sundstrom, A & Mccright, A (2013) Examining Gender Differences in Environmental Concern across Four Levels of the Swedish Polity, Unpublished Dissertation, University of Gothenburg, Gothenburg.
- Takads Santa, A (2007) 'Barriers to Environmental Concern', *Human Ecology Review*, 14 (1): 26-38.
- Tonglet, M, Philips, P. S & Bates, M (2004) 'Determining the Drivers for Householder Pro-Environmental Behavior: Waste Minimization Compared to Recycling Resources', *Conservation and Recycling*, 42: 27-48.
- Warren, K (1997) *Ecofeminism: Women, Culture, Nature*, Bloomington: Indiana University Press.